



می‌توان نشست. هر از گاهی هم از نهادهای مردمی خیزد و فریادمان بر آسمان است که: همسایه‌ای پرچمی از سردر ما پرده‌وپه‌نام خودت برد.
با این حال جزهٔ او فریاد باز هم کمتر اتفاقی می‌افتد. جست‌وجووتلاش پیشینه‌ای بوده یا خواسته‌باشد شجره‌نامه‌ای بیاید که شافخ موسیقی امروزش را به‌تنه‌نسل‌ها و مکان‌و زمانی بیشتر وصل کند، با زنجیره‌ای نه‌چندان پیوسته‌از نام‌های درخشان و کتاب‌هایی که درباره کار و سرگذشت‌شان نوشته‌اند، مواجه است. نام‌هایی که با افتخار بر دوش ایرانی بودن‌مان نشاندہ‌ایم:ابن سینا، فارابی، صفی‌الدین ارموی، قطب‌الدین شیرازی و عبدالقادر مراغی. هر چند این نام‌های درخشان به‌هم پیوسته نیستند، نه در جغرافیا و نه در زمان، فاصله‌های مکانی‌شان از دوسوی مرزهای ایران امروزی هم وسیع‌تر بوده‌و فاصله‌های زمانی میان‌شان ده‌هاها و اغلب سده‌هاست. فارابی به سال ۳۳۹ هجری از دنیا رفت، ابن‌سینا به سال ۴۲۸ هجری، صفی‌الدین در اواخر قرن هفتم هجری و مراغی در قرن نهم. تنها بند پیوند این گوهرهای درخشان، سطرهای کتاب‌ها و رسالات‌شان است. حتی اگر نوشته‌های این بزرگان هم بازتاب دقیق و کاملی از موسیقی زمان خودشان فرض شود، که البته چنین نیست، بسیار دشوار است بدانیم که در فاصله‌های این بین چه گذشته‌و موسیقی از چه شکل و محتوایی به چه شکل و محتوای دیگر و چرا و چگونه بدل شده‌است. در واقع ما در جست‌وجوی این پیشینه‌به‌جای یک پیوستگی یا تکه‌تکه‌هایی مواجهیم که خود هر کدام خالی از ابهام نیستند، چه رسد به کنار هم چیدن‌شان تا رسیدن به شجره‌ای کامل.

خانه ثالث: اما زنجیره همین نام‌های درخشان هم از جایی به بعد در دل تاریخ محومی می‌شود. از قرن دهم هجری کم‌کم تاریکی غلیظ‌تر شده، سرشته‌های تکه‌های ارکانند نیز گم‌شده‌است. تا ناگهان در دوره قاجار با موسیقی‌ای روبه‌رو می‌شویم که به گواهی معدود نوشته‌های موجود آن دوره‌و در قیاس با رسالات پیشین، دچار تغییراتی بسیار گسترده است. تغییر محتوای ساختاری از مقام‌ده دستگاه، تغییر در فرم‌های رایج قطعه‌ها، تغییر در رنتم‌ها، دوری، تغییر در سازها و به این ترتیب تقریباً تمام در همه چیز. و این جاست که ده‌ها پرسش دامن جست‌وجوگران ریشه‌های موسیقی ایران را می‌گیرد: چرا و چگونه از آن به این رسیده‌ایم؟ آیا ممکن است که آنچه از قاجار به این طرف داریم، به کلی از ریشه دیگری آمده باشد؟ یا ممکن است تکاملی تدریجی یا تحولی در آن پیشینه باعث چنین تغییری شده باشد؟ و اگر چنین است، چرا و چطور؟ چنگ وعود و قانون چه شدند؟ چرا آن دوره که از این‌سازها بودند، از تار و سستو و تمبک سختی یا تصویری در دست نیست؟ و سیلی از پرسش‌هایی از این دست که همه‌آخر به حسرتی با باقی بلند ختم می‌شوند:ای کاش دسترسی به صدای آن موسیقی می‌داشتیم و می‌توانستیم بشنویم که موسیقی دوره فارابی یا صفی‌الدین یا مراغی چطور صدای داده و به گوش خود ریشه‌های مشترک را می‌یافتیم.

میان خانه: در میان آن نام‌های درخشان که ذکرشان رفت، عبدالقادر مراغی به چند دلیل ویژه است: یک اینکه مکتب موسوم به منظمیه را که صفی‌الدین ارموی پایه گذاشت و قوی‌ترین مکتب موسیقایی و منطقه‌بوده‌است، به تفصیل و تسلط در رسالاتش شرح کرده است. دو اینکه رسالاتش را برخلاف پیشینیانش به زبان فارسی نوشته. سه اینکه دست کم یک نسخه از رساله «مقاصدالاحان» او به خط خودش - که خوشنویس سرآمدی نیز بوده- در دست است. چهار اینکه علاوه‌بر تسلطش به مسائل نظری، به اصطلاح قدما «اهل عمل» نیز بوده‌است و خود عود می‌نواخته، آواز می‌خوانده، تعلیم موسیقی می‌داده و مقام و دور ایجایی و انواع آهنگ می‌ساخته‌است. **خانه رابع:** از قضای روزگار و به سبب اشتراکات فرهنگی سرزمین‌هایی که قرن‌های دوم تا دهم از ریشه‌های مشترکی تغذیه می‌کردند و امروزه در سه‌گاه عرب-عثمانی-ایرانی قابل تفکیک‌اند، میراثی از مراغی در همسایگی نزدیک‌مان خفته و سرشته‌هایی از آن به دست جست‌وجوگرانی چون استادان محمدتقی مسعودیه و مرتضی حنانه افتاده بوده‌است: آهنگ‌هایی با خط موسیقایی غربی- که امروزه جهانی محسوب می‌شود- که جلوی نام آهنگسازشان به وضوح نوشته شده: عبدالقادر مراغی. حنانه ذکر می‌کند که در سال ۱۳۳۵ به مدد پیگیری یک دوست، مفت قطعه به نام مراغی به دستش رسیده و فهرست آنها را همراه با شعر فارسی یکی از آنها آورده است: «فریاد بسی کردم و فریادرسی نیست/ گویا که درین قبه فیروزه کسی نیست».

مسعودیه به نیز در قطعاتی که به تحلیل‌شان پرداخته، سه تصنیف از مراغی آورده که دوتا از آنها در مقام نهانود و دیگری در مقام بسته‌نگار است. او شعر سه به فارسی است و آخرش این است: «درویش را جای پادشایی نکند... هر کاسه که پر شود، صدایی نکند». نت این آهنگ‌ها در کتابخانه‌ها و آرشیوهای ترکیه امروزی بار کنده بودند. تا اینکه محمدرضا درویشی که به گفته خودش از وقتی نت چاپ شده در کتاب مسعودیه‌را دیده‌بود، دلش در شوق یافتن تمام آهنگ‌های مراغی می‌تپید، همت کرد و با جمعی از موسیقیدانان فوآزن‌نگار مشتاق، گروه عبدالقادر مراغی بازبازی و بازخوانی این آثار شکل داد. گروهی که چند سال کار پیگیر را دست آخر در مجموعه‌ای شامل: ۲۴ قطعه با صدای همایون شجریان، نت کامل و تصحیح‌شده همه قطعات همراه با شعر و تقطیع هجاها روی آن، و نیز کتیبه‌ای حاوی توضیحات در مورد علامت‌نویسی، فواصل موسیقایی، ادوا (افشار) و اطلاعات مربوط به گردآوری و فهرست تشریحی قطعات به انتشار رساند. نام این مجموعه برگرفته از یکی از قطعات مراغی «شوق نامه» شد.

ترجیع: به نظر می‌رسد از چند سال پیش تا امروز، «شوق نامه» اولین جایی است که پیچیده‌اتر مراغی - یا دست کم منسوب به مراغی- را می‌توان یکجا یافت و یا صدای خواننده‌ای ماهر و فارسی‌زبان شنید. قطعه‌ها به‌شکلی محسوس از یکپارچگی در سبک و نحوه ساخت بهره‌مندند. دارای پیچیدگی قابل توجه در ساختار و طراقت هستند که حوصله‌ای دقیق از مخاطب می‌طلبد و البته اغلب بسیار زیبایند. «شوق نامه» هم موسیقی‌ای است برای شنیدن و لذت بردن، هم تکه‌های شوق‌نامه برای اتصال به گذشته و هم گنجینه‌ای برای بررسی‌های پرسشگرانه بعدی. به‌برکت همین مجموعه و همت محمدرضا درویشی هم بود که نام مراغی در فهرست جهانی یونسکو ثبت و مراغی از چهره‌های سال ۲۰۱۴ می‌نهاد اعلام شد. «شوق نامه» پاسخی است صوتی به پرسش‌هایی از جنس تاریخ، چراغی برای جست‌وجوها که تاریکی غلیظ، پاسخی‌ها را برای اتصال به خود پرسش‌های بعدی را باز می‌کند: اگر این صداها به‌واقع از زمان مراغی تا امروز شش قرن راه پیموده باشند، چه میزان در این راه تغییر پذیرفته‌اند؟ چقدر از محتوای صوتی این تصانیف با محتوای مکتوب نوشته‌های مراغی قابل مقایسه و حتی انطباق است؟ و پرسش‌های دیگری که حال با در دست داشتن این گنج باز یافته اما بدیابوره‌و می‌توان برای پاسخ دادنش چراغ به دست گرفت و قدم گذاشت. آیا کسی به شوقی در جست‌وجوی چیزی هست؟

آیدین آغداشلور در آیین اختتامیه پنجمین دوسالانه نقاشی «دامون فر» خواستار شد

کنش‌های نقاشان جوان مکتوب‌شود

فرهیختگان: اگر مباداشت دکتر علیرضا سمیع‌آذر، معرفی پنج نقاش برتر زیر ۲۵ سال ایران ۹۲ و تقدیر بدین اطلاع‌رپروز کلانتری از سیف‌الله پویاراد مهم‌ترین بخش‌های اختتامیه پنجمین دوسالانه نقاشی دامون فر بود. به گزارش فرهیختگان در میان هنرمندان تجسمی که عصر روز جمعه در سینما گاری پردیس ملت گردآمده بودند تا اختتامیه پنجمین دوسالانه نقاشی دامون فر را برگزار کنند، تعداد زیادی از نقاشان زیر ۲۵ سال هم بودند که گوش بزرگ بودند تا نام‌شان به‌عنوان یکی از پنج نقاش برتر خوانده شود. در این مراسم که بیش از دو ساعت طول کشید، ابتدا از پنج نقاش تقدیر شد که در دوره‌های گذشته حائز رتبه‌های برتر شده بودند و در این سال ها به موفقیت‌های بزرگ داخلی و بین‌المللی مفتخر شده بودند. وحید چمانی، مرتضی پورحسینی، نفیسه عمران، عادل یونسوی و لیلی هاشمی همین پنج نفر بودند. آیدین آغداشلو، معصومه مظفری و پویا آریانپور در مقام داوران این دوره از جایزه دامون فر دست به انتخاب زده بودند تا پنج نقاش برتر را معرفی کنند و ۱۵ نقاش تقدیر را نام‌برند. براساس آرای داوران میلاد محمودی به‌عنوان بهترین نقاش زیر ۲۵ سال پنجمین دوره دوسالانه نقاشی دامون فر انتخاب‌شد که جایزه نخست همیشگی این رویداد یعنی سفر به آلمان و حضور در آکادمی هنر فابرکاستل را از آن خود کرد. مالک محمدزاده، برنده جایزه دوم شد و الهه رضازاده، سینارضایی و سحر جمالی به‌طور مشترک جایزه‌تر سوم را از آن خود کردند. جایزه بخش ویژه این رویداد در هنر تصویر سازی به نیکا بزرگمهر رسید و حسن جعفری نیا جایزه ویژه نقاش منتخب آرای مردمی را کسب کرد. در همین مراسم‌بود که سیف‌الله پویاراد، مدیر دوسالانه نقاشی دامون فر از شوق ۱۰ ساله شدن دوسالانه نقاشی دامون فر گفت: «دامون فر توانست زمینه‌اراز وجود قریب به هشت هزار نقاش نوجوان و جوان از سراسر ایران را فراهم کند و در این میان استعداد های درخشان ی معرفی شوند که امروزه ما می‌ایم باهاها همه می‌ماهستند».

در همین مراسم‌بود که آیدین آغداشلو، رئیس شورای داوران پنجمین دوسالانه نقاشی دامون فر با نام بردن از چند نقاشی این دوره تاکید کرد که «نشاط، خودباوری، شیفتگی به هنر در جوانان نقاش

گزارش

فرهیختگان: حاشیه‌ها و تلاش‌ها برای اکران شدن و اکران نشدن فیلم‌های سینمایی همچنان ادامه‌ندارد و در حالی که متخالفان اکران این فیلم‌ها برای اکران نشدن آنها رایزنی می‌کنند و برای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون سینمایی اش خط و نشان می‌کشند و بای برخی از نمایندگان مجلس راه‌هم به میان کشیده‌اند، حجت‌الله ایوبی نیز بیکار ننشسته و بنا بر قولی که به سینماگران اکران‌ده‌ر تلاش است تا با رایزنی‌های بیشتر اکران این فیلم‌های مجوزدار را فراهم کند. ایوبی بارها تاکید کرده است که قائل به رایزنی و گفت‌وگو برای برطرف کردن حاشیه‌های موجود بر سر راه سینمای ایران است. او در تازه‌ترین اقدام، به کمیسیون فرهنگی مجلس رفته تا با گفت‌وگو با اعضای کمیسیون فرهنگی گره اکران چند فیلم مشخص را باز کند و بنابر وعده‌اش، آرمش را به سینما بازگرداند. سازمان سینمایی با اعلام اخیر خبرنگر گزارش داده است که ایوبی از این جلسه با خبرخوش وجود تفاهم بین سازمان سینمایی و کمیسیون فرهنگی بیرون آمده است.

کافه کتاب

«پیش پرده و پیش پرده‌خوانی» مرتضی احمدی تلاشی درخور برای مرور سرنستی است که روزگاری خواهان زیادی در بین مخاطبان عام هنر نمایشی داشت و امروزه تنها نامی از آن باقی مانده است و صدایی که متعلق به آخرین پیش پرده و پیش‌پرده‌خوانی آمده

جشنواره

گروه‌ادب و هنر: حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی در اختتامیه هشتمین جشنواره پروین اعتصامی با اشاره به اینکه ۹۰۳ کارگردان زن در سینمای ایران حضور دارند و دوهزار زن هم در بخش‌های مختلف سینمایی مشغول به کار هستند، گفت: این عدد رقم بسیار قابل توجه است، چراکه تعداد کارگردان‌های زن و مرد بسیاری از کشورهای مدعی در عرصه سینما کمتر از تعداد کارگردان‌های خانم سینمای ماست. ایوبی از حمایت از حضور زنان در سینمای ایران گفت؛ «اگر بخواهیم ثابت کنیم که قرائت جمهوری اسلامی ایران از حضور زنان، قرائتی متفاوت با برخی کشورهای عربی و برخی از کشورهای اطراف آسیا و بسیاری از سخنانی

کتاب یک کتاب دو-ع

روایت به‌صورت کنش‌گفتاری: در داستان‌های «شوق نامه» بیشتر مبتنی بر کنش‌های گفتاری است و از راه «گفت‌وگوپردازی» به جای انگیزش یادآیندهای مبتنی بر اعمال، زنجیره‌های متشکل از کنش‌های کلامی را در ذهن خواننده برمی‌انگیزاند. پیشینه مطالعاتیاز نمود گفتار در متون روایی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و می‌توان آن را از آرای افلاطون تا هاری گالوم که از نقل غیرمستقیم ازادیاچنه گفتار ترکیبی» می‌نامد، پی گرفت. از نظر گالوم این گزاره افزون بر صدای راوی و شخصیت، ادراک یا اندیشه پیش‌کلامی شخصیت را نیز دربرمی‌گیرد و از این‌روست که به نوعی آمیختگی لحن راوی و شخصیت را شاهد شهر تهران رخ می‌دهد و تمام شخصیت‌ها و روای‌های کتاب همه هم‌حمله‌ای هستند و از ورای اتفاق‌هایی مثل آمدن یک جن به محله و وارد شدن جن به جمع آدم‌های خلاف و معتاد محمل و معتادشدن یک شخصیت داستانی معروف «پینوکیو» و آمیختگی بینامتنی، یا آشنایی

آیدین آغداشلور در آیین اختتامیه پنجمین دوسالانه نقاشی «دامون فر» خواستار شد

کنش‌های نقاشان جوان مکتوب‌شود

ایرانی موج می‌زند؛ جوانان ما در چهارراه سرگردانی معطل نیستند و توانسته‌اند با مردم خود و جهان خود پیوند برقرار کنند که این خبری بسیار خوش است. آغداشلو در ادامه از ضرورت پرداختن کتاب هنر معاصر ایران به هنر نقاشان جوان سخن گفت؛ «عدم وجود آثار مکتوب درباره کنش‌های نقاشانه هنرمندان جوان ایران یک جفای بزرگ است زیرا این جوانان توانسته‌اند در دوره‌ای خطیر و حساس هم جهان شخصی خود را کشف کنند و هم به دآوری معاصر همت گمازند؛ باید جست‌وجوگری جوانان ما در چنین کتاب‌هایی مورد بررسی و تقدیر قرار گیرد». اما بخش مهمی از این مراسم اختصاص داشت به تقدیر از علیرضا سمیع‌آذر، هنرشناس، مدرس و مولف هنری و مدیر سابق موزه هنرهای معاصر تهران. پخش ویدئوکلیپی هشت دقیقه‌ای ساخته علیرضا عمار یی این مجال را فراهم کرد تا حاضران مروری تصویری داشته باشند بر زندگی و دیدگاه‌های سمیع‌آذر. پشت‌بندش پرویز کلانتری از نقاشان پیشکسوت ایرانی درباره جایگاه علمی و دستاوردهای اجرایی دکتر علیرضا سمیع‌آذر گفت؛ «سمیع‌آذر بحق پنجره هنر ایران را به سوی دنیا گشود و با برنامه‌ریزی علمی و خلق رویدادهای حرفه‌ای، کنج‌کاوی دنیا را نسبت به هنر ایران برانگیخت؛ من بسیار متأسفم که ما در روزگاری زیست می‌کنیم که قدر چهره‌های بزرگی مثل سمیع‌آذر را در مملکت‌مان نمی‌دانیم. سمیع‌آذر از چهره‌های ماندگار هنر ایران است که از درون انقلاب اسلامی پدیدار شد و به‌عنوان شایسته‌ترین مدیر موزه هنرهای معاصر توانست مسئولیت بزرگ خارج کردن هنر ایران از انزوای سیاسی و فرهنگی را به وجود آورد. او را شخصیتی جهانی می‌شناسم که توانسته با تالیفات متعدد و عمیقش درباره هنر معاصر، دانش نسل امروز ایران را نسبت به هنر روز دنیا ارتقا بخشد». علیرضا سمیع‌آذر نیز درباره دوسالانه دامون فر گفت: «دوسالانه نقاشی دامون فر، بدون تردید در دهه اخیر مهم‌ترین و مستقل‌ترین رویداد تجسمی کشور بوده است که توانسته نقشی مهم در معرفی نسل نوین نقاشی ایران ایفا کند. متأسفانه در مملکت ما اینگونه رویدادها هم بسیار معدودند و هم فاقد استمراند، من خوشحالم که در دهمین سال فعالیت این رویداد ملی

خبر خوش سازمان سینمایی درباره فیلم‌های «قصه‌ها» و «عصبانی نیستم»

مرکز پژوهش‌ها به با‌اصلاحاتی قابل اکران هستند



اصلاحات حداقلی داده‌است تا شبیهات احتمالی رفع شود. مرکز پژوهش‌های مجلس همچنین تاکید کرده‌است که فیلم «قصه‌ها» و «عصبانی نیستم» تاکید از هر دو دفاع کرده است. سازمان سینمایی گزارش داده است که مرکز پژوهش‌های مجلس هر دو فیلم را بازبینی و بر اجتماعی بودن آنها تاکید کرده‌است. با این اوصاف است که سازمان سینمایی امیدوار است این مساله زمینه‌خوبی برای اکران بی حاشیه فیلم‌های «قصه‌ها» و «عصبانی نیستم» باشد. بنا براین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس ضمن تحلیل محتوای هر دو فیلم، پیشنهادهایی برای

ترانه‌های عامیانه تهران

است و همراه آن تعدادی از ترانه‌های عامیانه تهران افاق شده است. مرتضی احمدی توضیح می‌دهد که اوج و افول پیش‌پرده‌خوانی در ایران چگونه بوده است و هم‌اکنون ردهای باقی‌مانده آن را در کجاها می‌آورد. احمدی پیش از این هم

برگزاری اختتامیه هشتمین جشنواره فیلم «پروین اعتصامی»

ایوبی: ریاست سازمان سینمایی هم حق خانم‌هاست



می‌تواند تاثیرگذار باشد. ایوبی با اشاره به این اعداد و ارقام گفت: «حضور بیش از ۱۷۰ فیلم به دبیرخانه جشنواره ارسال شده که ۸۰ درصد متعلق به فیلمسازان زن بوده

درباره رمان «تهران ۲۸» پژمان تیمورتاش

هویت چندراوی



یکی از معتادین محل «ممد سلمونی» با دختری از طبقه دیگر شهر همه ما را یک مجموعه شناسایی یا به قول باختمین «گفت‌وگویی» و «وبه‌رو می‌کند که برآیند گفت‌وگوی شخصیت‌ها در درون متن و از همه مهم‌تر آمیختگی لحن راوی و شخصیت‌هاست به‌گونه‌ای که مثلاً در داستان تهران ۲۸ از ورای لحن و روایت تک‌گویی راوی ما را به دیگر شخصیت آن داستان (بازجو) و همچنین داستان رسیدن راوی به آن نقطه داستانی و به نوعی بازگویی حدیث نفسش مواجه هستیم. راوی در داستان‌های «تهران ۲۸» با سهیم شدن در ماجراها (چه به صورت خود قهرمان داستان بودن مثل داستان نینویبرک یا به‌صورت اشتراکی در کنشمندی روایت و سهیم بودن در آن مثل داستان میثم کورت و شیشه‌های نوبت‌ابه تووان شب برفی میدان تجریش) سعی در دور کردن خواننده از دنیای حقیقی و نزدیک کردنش به دنیای داستانی خودش دارد و از همه مهم‌تر ذات اندیشه شخصیت‌هایی که خوب



حرفه‌ای گرد هم آمده‌ایم، این رویداد را ادای دین یک فرد فرهنگ‌دوست به نام جناب پویا به فرهنگ سرزمین مادری‌اش دیده‌ام و از آن تقدیر می‌کنم؛ در این سال‌ها اهمیت حضور بخش خصوصی در جامعه هنری مشهودتر از همیشه است. تجربه به همه آموخته که دولت‌ها خواسته یا ناخواسته از هنر مشروط به مقتضیات خود حمایت می‌کنند و شاید به مهر و کنترل لحن هنر می‌پردازند، اما موج فراینده بخش خصوصی در حمایت از هنر نشان داده است که هنرمندان‌مان نیز تمایل به همکاری در فضای باز فرهنگی دارند و استقبال از دوسالانه دامون‌فر موید همین نکته است.»

پنجمین دوسالانه نقاشی دامون‌فر از سوی گالری دامون‌فر و با همکاری فابرکاستل آلمان، کوئیلو برنزد ایرانی آلمانی، کانسون و پ ب او فرانسه و نیز موسسه تصویر شهر سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران از ۱۸ مهر تا دوم آبان ۹۳ در گالری پردیس ملت برگزار شد.

تغییر یک‌دیالوگ پیشنهاد شده‌است. «و درباره فیلم «عصبانی نیستم» اثر رضا درمیشیان آمده‌است: «موضوع اصلی فیلم از حالت سیاسی خارج شده و به‌عنوان یک فیلم اجتماعی قابل شناخت است. مرکز پژوهش‌های مجلس با اصلاحاتی اندک فیلم را قابل‌نمایش می‌داند. «حال باید دید آیا برخشان بنی‌اعتماد و رضا درمیشیان با وجود اصلاحاتی تاکنون در مراحل مختلف انجام داده‌اند، بار دیگر حاضر به انجام اصلاحات جدید هستند و مهم‌تر اینکه آیا آتندروها به این اصلاحات اکتفا می‌کنند و دست‌از حاشیه‌سازی‌های مجدد بردروا هند داشت؟ گفتنی است فیلم «قصه‌ها» هم اکنون در جشنواره بین‌المللی فیلم بوطنی برای به دست‌آوردن جایزه مرارید سیاه ۱۷۷ فیلم از کشورهای مختلف جهان رقابت می‌کند و برخشان بنی اعتماد جمعه شب در پاسخ به سوال یکی از تماشاگران خارجی در مورد اکران فیلم سینمایی «قصه‌ها» در سینماهای ایران گفته است: «امیدوار هستم که تا آخر فصل پاییز این فیلم در سینماهای ایران اکران شود.»



کتاب «کهنه‌های همیشه نو» را

در انتشارات ققنوس منتشر کرده و خودش گفته‌است که تعدادی از ترانه‌های موجود در آن سانسور شده، اما این ترانه‌ها در کتاب «برده‌خوانی و پیش‌پرده‌خوانی» به‌طور کامل منتشر شده‌است.

است و ۱۸۳ فیلم به بخش مسابقه رسیده است. این درحالی است که به گفته رضا خانی، دبیر این دوره از جایزه هر ساله ۳۰ کشور جهان در این جشنواره شرکت می‌کنند. فهیمه آقا حسنی و پیمان نعیمی با فیلم کوتاه «حذف اضطرابی» که چهار جایزه از سی‌وکمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران به دست آورده‌بود، این بار هم توانستند جایزه بهترین فیلم داستانی را از جشنواره پروین اعتصامی به دست آورند. همچنین از بازیگران زن این فیلم تقدیر شد و جایزه بهترین نام‌فیلم را از آن خود کرد. تندیس پروین زرین و دیپلم افتخار نیز به نیکی کریمی به پاس کارگردانی تحسین برانگیز فیلم «سوت پایان» اهدا شد.

داستان از زبان واسطه‌ای به نام راوی بیان می‌شود، نه مستقیم از زبان نویسنده. نویسنده در جاهایی از کتاب به خوبی متوجه موضوع بوده (حالا یا خودآگاه یا ناخودآگاه) که در جاهایی مثل داستان شب رستگاری لُق لقوی خالی‌بندی کس و کار با مداخله راوی در انتهای داستان، متن را که تا مرزهای گسترش حدود تقلید کلامی و زدوبند نشانه‌های روایت ساده و میدان دادن به شخصیت‌ها (چه چیزی پرکشش‌تر از آوردن یک شخصیت از یک اثر ادبی دیگر؛ پینوکیو و گریه نره و روباه مکار) پیش‌رفته بود با مداخله راوی و گفتن این جمله که حالا می‌مونه اون چیزی که شما شنیدید و درست هم شنیدید، مننها همه‌ش رو شنیدید داستان‌را هم از لحاظ روایت‌مندی و هم نقش هویت‌سازی که زبان از طریق شخصیت‌ها در کل کتاب به آن می‌خواهد برسد، می‌رساند. ممد سلمونی، میثم کورت، علی قلابی و... آدم‌های کتاب «تهران ۲۸» در ساختن وقاعدهند کردن و بازکردن دنیای خودشان و آن را از حاشیه به متن کشیدن تنها ابزارشان زبان‌شان است و به خوبی می‌دانند هویت‌شان در گروی زبان‌شان است پس به بهترین شکل از آن استفاده و ابزارش را هم جور می‌کنند و تشدید می‌کنند تا لحن‌های آنها لحظه‌ای، بالاتر از شهر، بالاتر از حتی ستاره‌ها قرار بگیرند.

پر درآمدترین بازیگر زن سال ۲۰۱۲

سفال‌گری می‌کند



آنا: کریستین استوارت، بازیگر مجموعه سینمایی «چکامه گرگ‌ومیش» که این روزها همراه با پیمان معادی در فیلم «اردوگاه اشعه ایکس» ظاهر شده، اعلام کرده‌است که برای مدتی از بازیگری کناره‌گیری خواهد کرد و به کارهای دیگری مانند سفالگری خواهد پرداخت. کریستین استوارت ۲۴ ساله که در چهار سال گذشته در ۱۰ فیلم ظاهر شده، در گفت‌وگو با یواس‌ای تودی گفت که از این کار خسته‌شده‌است: «می‌خواهم مدتی از این کار مرخصی بگیرم، چون دوسال است که مدام دارم کار می‌کنم.

من یک بازیگر هستم و فرم هنری من همین است و چون خیلی جوان بودم که کارم را شروع کردم، همیشه موهی که به فرم‌های دیگری فکر می‌کردم که دلم می‌خواست در آنها خلافتی داشته باشم، مرعوب می‌شدم و اعتمادبه‌نفس نداشتم.» او همچنین گفت که با درآمد ۳۴/۵ میلیون دلاری که در فاصله ماه‌های می ۲۰۱۱ و می ۲۰۱۲ داشته است- زمانی که دوران اوج موفقیت مجموعه سینمایی «گرگ‌ومیش» در گیشه بود- دیگر نگران چیزی نیست و می‌خواهد با خیال راحت به فعالیت‌های خلق پیردارد. او اولین بار در سن ۹ سالگی در فیلمی تلویزیونی با عنوان «سیزدهمین سال» بازی کرد و سال ۲۰۰۲ با بازی در کنار جودی فاستر در فیلم «اتاق امن» دیوید فینچر در مسیر موفقیت قدم برداشت و پس از آن در آثاری مانند «زاتورا»، «به درون طبیعت وحشی» و «چه اتفاقی افتاد» حضور داشت و سرانجام با بازی در پنج فیلم مجموعه «گرگ‌ومیش» به اوج رسید.

او اخیراً در فیلم «کمپ اشعه ایکس» در کنار پیمان معادی بازی کرده و فیلم «ابراهی سیلز مارا» ساخته الیویه آسایا که کریستین استوارت در آن با زولیت بینوش همراه شده، در ماه‌های اخیر در چندباره به نمایش درآمده‌است.

تتاولی برای خودش موزه می‌سازد



فرهیختگان: پرویز تتاولی دست به کار شده است تا خودش خانه-موزه‌ای برای خودش ایجاد کند تا آثارش را در آنجا به نمایش بگذارد. او که همچنان کرد و در بالاترین رقم هنر وورمیانانه در حراج کریستیز دبی است، چند سالی است دیگر آثارش را نمی‌فروشد و تا بتواند آثارش را هم خریداری می‌کند تا همه آنها را در خانه-موزه‌اش به نمایش بگذارد. این مجسمه‌ساز برجسته و مشهور ایرانی همچنان درصدد است تا آثارش را از سازمان فرهنگی، هنری شهرداری تهران بازپس بگیرد. تتاولی به ماجرای پالایش آشارس در موزه امام علی (ع) و اکث نشان داده و به استناد باید آنها را به من برگرداند. فروش آثارم توسط سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تهران، خلاف قانون، شرع و عرف است. این سازمان باید همایش گونه که به من وعده داده است، خانه-موزه منتقل کند، ولی این کار را نمی‌کند. تصمیم گرفته‌ام خودم خانه-موزه تتاولی را ایجاد کنم و با بازپس گیری آثارم از سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تهران و همچنین اضافه کردن آثار دیگری که ساختام، آنها را به موزه به‌نمایش بگذارم.» قرار است در هفته آینده دادگاه بعدی مربوط به وضعیت پرونده مجسمه‌های تتاولی نزد سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران برگزار شود تا در نهایت دادگاه سرنوشت مجسمه‌هایش را مشخص کند.

خط دام

ایرنا: لیلی افشار قطعاتی از یوهان سباستین باخ را برای گیتار کلاسیک تنظیم و ضبط کرده‌است که در قالب آلبومی با عنوان «باخ برای گیتار کلاسیک» منتشر شد.

مهر: رئیس شورای اسلامی شهر تهران تاکید کرد سینماگران می‌توانند به اندازه سلط سالن سینمای خود فضای تجاری دریافت کنند، اما نمی‌توانند کاربری سالن سینما را تجاری کنند.